

شرح موضوعی فصوص الحکم

محبی الدین ابن عربی

پژوهش و نوشته:

قاسم میر آخوری



انتشارات بازتاب

شرح موضوعی فصوص الحکم محیی الدین ابن عربی

پژوهش و نوشته: قاسم میر آخوری

طرح جلد: مؤسسه آروین

حروفچین و صفحه آرا: مؤسسه آروین

چاپ اول: ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

بهاء: ۱۸۵۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۲۲-۳۷۰-۰

آدرس: خ. انقلاب، دوازده فروردین، ک. نوروز، پ. ۲۵

تلفن: ۶۶۴۹۴۵۴۱-۶۰۴۱۰۲۵

ایمیل: ketabekohsa@yahoo.com

سرشناسه	:	میر آخوری، قاسم، ۱۳۴۰ -
عنوان قراردادی	:	فصوص الحکم، فارسی، شرح
عنوان و نام پدیدآور	:	شرح موضوعی فصوص الحکم محیی الدین ابن عربی / پژوهش و نوشته قاسم میر آخوری
مشخصات نشر:	:	تهران: بازتاب، ۱۳۹۹
مشخصات ظاهری	:	۷۳۰ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۷۵۲۲-۳۷۰-۰
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا	
یادداشت	:	کتاب حاضر شرحی بر کتاب "فصوص الحکم" تألیف محمد بن علی ابن عربی است.
یادداشت	:	نمایه.
عنوان دیگر:	:	شرح موضوعی فصوص الحکم.
موضوع	:	ابن عربی، محمد بن علی، ۵۶۰ - ۶۳۸ ق. فصوص الحکم -- نقد و تفسیر
موضوع	:	Ibn al - Arabi, ۱۱۶۵ - ۱۲۴۰ . Fosus al-hekam -- Criticism and interpretation
موضوع	:	عرفان -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	:	Mysticism -- Early works to ۲۰th century
موضوع	:	تصوف -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	:	Sufism -- Early works to ۲۰th century
موضوع	:	فلسفه اسلامی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	:	Islamic philosophy -- Early works to ۲۰th century
شناسه افزوده	:	ابن عربی، محمد بن علی، ۵۶۰ - ۶۳۸ ق. فصوص الحکم. شرح
رده بندی کنگره	:	۲۸۳BP
رده بندی دیویی	:	۸۳/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی:	:	۶۱۳۲۶۰۹

فهرست

- پیشگفتار..... ۹
- شرح سوفیای جاودانه..... ۳۱
- گزارش و پرداختن واژه فصوص الحکم، حکمت.
- شرح دیبچه فصوص الحکم (کلمه)..... ۳۳
- گزارش و پرداختن واژه: «ش» آفریده کلمه خداست، عیسا کلمه خداست، نخستین اعیان جهان، جهان از کلمه کن (باش) پدید آمده است، حروف، نخستین حرف، وجود معقول به وجود پیدا مبدل شد.
- نماد آگاهی بخش خدا در ر (چهره) آدم..... ۳۵
- انگیزه آفرینش، کلی و جزئی، واجب و حادث، اسماء و ذات، نام بزرگ خداوند، آدم میانجی خدا و جهان، تابش خدا بر خویش و جهان، عین ثابت، خاتم، انسان تمام جبر اختیار، هستی و نیستی، کثرت در وحدت، او و نه او، جهان آینه خدا، خدا آینه انسان.
- نماد آگاهی بخش دمیدن (بخشش خداوندی) در ر (چهره) شیث..... ۴۱
- نفث، نفخ، بخشش خداوندی، انواع بخشش های خداوند، آفس ال حمن، نیایش و درخواست از خدا، راز سرنوشت، آیا سرنوشت دگرگون پذیر است؟، فردیت جاوید، حال کشف کائنات، حجاب است، پرده آستان ایزدی، واپسین انسان
- نماد آگاهی بخش پاکی و بی آلایش در واژه (چهره) نوح..... ۴۵
- نوح نماد تنزیه ناب (مطلق)، فرق تشبیه و تنزیه خداوند، رابطه تشبیه و تنزیه با ذات خدا، اسماء و صفات، انواع اسماء، دیدگاه اشعریان و معتزله در باره تشبیه و تنزیه، عقل و خیال، ستایش خدا، عاشق پاک با شته، تنزیر «لیس کمله شیء»، فرق دعوت محمد (ص) با دعوت نوح، جایگاه خرد، خرد گرایان، شناخت خدا، الوهیت، یکسان مردم در برابر پیام پیامبران، آیین های خدا در جهان، شناخت خویش، فرق عارف آگاه با فیلسوف خردگرا، خداوند فرد است و نه شیء، صفات جلال و جمال، انسان هم گش گر است و هم نیست، برداشت تشبیهی و تنزیهی از قرآن، حدیث قرب نوافل، ویژگی های تشبیهی و تنزیهی، تفاوت قرآن و فرقان، مشبهه و مجسمه.
- نماد آگاهی بخش والایی مینوی در واژه (چهره) ادریس..... ۶۷
- سبوح و قدوس، تسبیح و تقدیس خداوند، فرق تنزیه نوح با تنزیه ادریس، علو، علوم مکان و مکانت، علو خدا در ذات اوست، سپهر (فلک) خورشید، بنیاد و ریشه اعداد (شماره ها)، وحدت در کثرت، نخستین آفریده خدا، هستی یگانه است.
- نماد آگاهی بخش سرگشتگی و شیدایی در واژه (چهره) ابراهیم..... ۷۱

مهیّمه، خلیل، ابراهیم نمادی از انسان کامل، تفاوت ذات خدا با الوهیت، خودشناسی و خداشناسی، هست و نیست هستی، آفریدگار منزّه، الوهیت و ربوبیت، پیوند میان رب و مربوب، آفریده ذات خدا را نشناسد.

نماد آگاهی بخش خدایی در واژه (چهره) اسحاق ۷۷

خواب ابراهیم، ابراهیم کدامین فرزند را برای قربانی برگزید: اسحاق یا اسماعیل، آزمایش ابراهیم، تعبیر خواب، قربانی، نیستی خود، هستی خدا، صفا و مروه نماد چیست؟، ویژگی جماد بودن، پایه‌های پنج گانه هستی، تخیل، برزخ و خیال، بود راستین، جهان در خیال نمودار می‌شود، او؛ اوست و او؛ او نیست، جهان پنداری بیش نیست، نفس ناطقه.

نماد آگاهی بخش بلند پایگی و نیرومندی در واژه (چهره) اسماعیل ۸۷

خرسندی و خشنودی ربّ و بنده، بهشت و دوزخ همان بیم و امید خداست، دوزخ: بهشت دوزخیان است، کیفر، پیوند میان بنده و ربّ، و ت الله و ربّ، ربوبیت، هر آفریده‌ای نمادی از نمادهای خداست، خداوند با نام‌های خود بر آفریدگان نمایان می‌شود، رابطه ربوبیت و عبودیت، عبد و ربّ، انواع عبادت، سه گوهر راستین خدا، سه گونه از چگونگی‌های بنده.

نماد آگاهی بخش مهره فرایین خدا در واژه (چهره) یعقوب ۹۷

فرمان‌پذیری، پاداش، خوی و منش، در گوشت آیین خدا، معنای دین در سه پایه، بستگی آیین‌ها به کردار آدمی، واسپاری دوسویه بنده و خدا، راه و روش پیامبر، راه روش فرزاتگان، آموزه‌های عرفانی، دیرنشان مسیحی، دین همه پیامبران یکی است، ریشه گوناگونی آیین‌ها.

نماد آگاهی بخش روشنایی و فروغ در واژه (چهره) یوسف ۱۰۱

خواب‌های راستین نخستین پیام پیامبری، تعبیر خواب، رؤیا، یوسف، جهان سایه خداست، خیال ناب و خیال مقید، سه پایه از آگاهی پدیده‌ها برای هست شدن، هست و نیست، خیال متصل و خال منفصل، ناهمگونی‌های هستی، شناخت خدا بر پایه ناهمگونی‌های هستی، هستی میانی به نام برزخ، رابطه رَحی و خال، شناخت خواب (رؤیا)، اقسام وحی، مبشرات، اقسام خواب، خواب گذرگاه است، پیوند سایه با دارنده سایه، نماد نور، نام‌های نور، اقسام نور.

نماد آگاهی بخش یکتایی خدا در واژه (چهره) هود ۱۱۹

راه همه مردمان جهان، همه راه‌ها به خدا باز می‌گردد، راه همه آیین‌ها، صراط خدا، صراط مستقیم، صراط ربّ، صراط محمد (ص)، صراط منعم، صراط خاص، آیین مهر، جبر در اختیار، هوشمندی باورمندان، فرمان و سرانجام راه‌ها، نیک‌بختی و نگون‌بختی، بیماری‌های رفتاری و روش درمان آن‌ها.

نماد آگاهی بخش گشایندگی و زنجیره‌ای از تابش‌های خدا در واژه (چهره) صالح ۱۲۹

زنجیره‌ای از تابش‌های ایزدی، شتر صالح نماد تابش‌های خدا، مردمان نمود، فتوحات غیبی، شتر راهوار پیامبران، آفرینش بر سه پایه استوار است: ذات، فرمان، و کُن (باش)، الله و رحمان، علم و عالم و معلوم، فرمان کُن (باش) در هستی، سه پایه بنیادین قرآن: الله، ربّ و رحمن، سه اقنوم در مسیحیت، شناخت سه دانش هستی، هدف از آمیزش در هستی، پیوند میان جهان پیدا و جهان ناپیدا، تثلیث در ویژگی‌ها و نه در اقامت.

نماد آگاهی بخش آگاهی در واژه (چهره) شعیب ۱۳۷

دل مرکز عشق، دل عرش خداست، دهر، عقل به معنای بند، قلب میان دو انگشت خدا، جام عشق، باده عشق، سه گونه آرزو، گوهر راستین هستی، تفاوت عقل و قلب، شناخت خدا با دل، نفس رحمانی، یمن از یمین برابر نیروست، پیدایش جهان با کُن (باش)، گنج پنهان، تبدیل نفس الهی به عماء، خلاء و عماء، نخستین چهره‌ای که نفس رحمانی پذیرفت، رحمت امتنان و رحمت ذاتی، چهار رحمت خدا، تجلی چه زمانی رُخ می‌دهد؟ تجلی از نام ظاهر خداست، سیمای برزخی، نشانه تجلی خدا، بالا رفتن از نردبان آسمان، تابش خدا به اندازه گنجایش هر فرد می‌تابد، ذوق نخستین سرچشمه تجلی، نو به نو شدن همه پدیده‌های هستی، شأن، معنای شعیب، وجه خدا، خدا در باور هر کسی است.

نماد آگاهی بخش نیروی مینوی در واژه (چهره) لوط ۱۶۷

لوط نماد نیروی مینوی، متمرکز، معرفت مانع بهره‌گیری از نیروهای متمرکز مینوی است، نیروی متمرکز مینوی، عرفان و عارف، بودیت برابر با شناخت است، ارزش دانش به عمل است، گوهر آدمی خود است، ابزارهای شناخت، اندیشه نیروی مینوی از نیروی آدمی است، اندیشه آزمون است، مکاشفه، ذوق و شهود، دانش خردورزانه، دانش احوال، خلق با همه، خلق به حق و فنا، اقسام همت، قدرت.

نماد آگاهی بخش راز سرنوشت در واژه (چهره) عزیر ۱۸۵

راز سرنوشت، شناخت کلیدهای جهان ناب، عارفان کشفی و ذوقی، چگونگی زنده شدن مردگان، راز زمان، زمان (قدر)، ولی، نبی، رسول، ولایت، نبوت و رسل، احدیت ذاتی، معنای فضلنا، زمان بی آغاز، دانش زمان، گوناگونی پیامبران به سبب گوناگونی مردمانشان است، از یار، پیامبران و اولیاء، نبوت تشریع، نبوت عام، نبوت بشری، نبوت ملکی، ملک، العلی، عالون، پرستش و ضعیف، رسل، سدره المنتهی، عصمت، احدیت کلمه، مشرک، وجود، وجوب، أعراض، ولایت بشری عام، ولایت بشری خاص، فرشتگان مهیم، فرشتگان تسخیر، فرشتگان تدبیر، فرشتگان لمات، خرق عادت، ولی تابع.

نماد آگاهی بخش پیامبری در واژه (چهره) عیسا ۲۲۱

جبرئیل سرچشمه زندگی است، روح کلی، کالبد عیسا عنصری نیست، هستی از او نمانده سرزده است، مسیح روحی از خداست، عقل نخست، لاهوت، ناسوت، حق و خلق، مقام فنا، ظاهر و باطن، فرزند و پدر است، وحدت ذاتی با خدا، نفس ایزدی، منت و رحمت، جهان خلق و امر، فرود آمدن عیسا در آخرالزمان، عیسا خدای اولیاء است.

نماد آگاهی بخش مهرورزی و بخشش در واژه (چهره) سلیمان ۲۲۹

رحمت ایزدی و اقسام آن، تفسیر واژه رحمان، رحمت فراگیر خدا، مهرورزی و بخشندگی خدا، رحیم شاخه‌ای از رحمان است، آفرینش جهان بر پایه چهار تایی است، چهار رحمت در قرآن، تفسیر بسم الله الرحمن الرحیم، پیش بودن مهر و بخشش خدا بر خشمش، تفسیر سوره انشراح، عسر و یسر، تفسیر سمع الله لمن حمده، بطش (سرسختی)، رحمت در کیفر، رحمت عرش ذات ایزدی است، ویژگی‌های رحمان، رحمت بسیط (ساده) و رحمت مرکب، رحمت عام، رحمت خاص، تصرف در جهان، دو گونه تصرف و تسخیر، مقام جمع (جمعیت)، جهان هر دم از نو آفریده می‌شود، نقد نظریه جوهر و عرض اشعریان، تفسیر خداوند هر روز در کاری است، جهان در گردونه سه راز است، کلمات خدا، کلمات الحضرة، تفسیر کُن (باش)، هستی برابر با نیستی نیستی، خداوند در هر لحظه تابشی دارد.

نماد آگاهی بخش جانشینی در واژه (چهره) داود ۲۵۳

خلافت باطنی و خلافت ظاهری، خلافت پیامبران، خلافت فرشتگان، تفسیر اطیعوا الله و اطیعوا الرسول، اول الامر، خلافت آدم، خلافت داود، تفاوت خلافت آدم با خلافت داود، پیشوایی، قطب، امام باطن، معصوم بودن امام باطن، تفاوت استنباط احکام نزد مجتهدان.

نماد آگاهی بخش جان اندیشمند در واژه (چهره) یونس ۲۶۹

یاد کرد، یاد کردهای گوناگون خدا، یاد کرد خدا رسیدن به وحدت وجود است، مرگ تاریکی و ناآگاهی است، سر بریدن مرگ توسط بحای پیامبر، حدیث دجال، رجعت به سوی خدا، رستاخیز، سیمای انسان در رستاخیز، دوزخیان در رستاخیز نه می میرند و نه زندگی می کنند، قصاص، فنا.

نماد آگاهی بخش جهان ناپیدا در واژه (چهره) ایوب ۲۸۱

جهان ناپیدا، آب، چشمه زندگی است، شیطان، آب، فوق و تحت، سبب و مسبب، دو گونه غیب، عرش، نام ظاهر و باطن خدا، بهشت جاوید، در جهان ناپیدا، عذاب از عذاب است، آتش دوزخ، معنای خالدين فيها، زمان رستاخیز، خشم ایزدی و رابطه آن دوزخ، قرب جمع است و بعد فرق، جهان با نسبت ها پدیدار شده است، ستایش خدا همان تزییه اوست، زمان نسبی است و نه مطلق، خود هستی ندارد، ازل و ابد، زمان درخواست از خدا، دهر، وقت، بردباری، توبه، ثواب.

نماد آگاهی بخش شکوهمندی خدا در واژه (چهره) یحیا ۳۱۱

صفات جلال و جمال خداوندی، بعث (برانگیختن) به پا خاستن، یحیا در رستاخیز نابودگر مرگ است، مکاشفه ابن عربی با یحیا، پسر جان و درونمایه (حقیقت) پدر است، ثروت یحیا و عیسا، تک بودن نام یحیا در میان نام ها.

نماد آگاهی بخش خویشن داری در واژه (چهره) زکریا ۳۱۵

مهرورزی خدا، تجلیات خداوند، خداوند در ذات، صفات و افعال خیریش، تجلی دارد، حضرت غیب، حضرت شهادت، مهر خدا بر شئیت هر عینی است، نخستین آفریده خدا مهر است، شئیت ذات، شئیت وجود، وجود مطلق، عدم مطلق، محال، امتناع، پدیده ها با نور خدا پدید می آیند، خداوند با اسماء (نام ها) تسمی می کند، جهان تجلی خداست، اسماء میانجی سیمای جهان و ذات غیب است، احدیت مجموع، هر نام رایج چهره است، الله در برگرفته همه نام های خداست، هستی بخشی به پدیده ها رحمتی از سوی خداست، علل تاری، علیت، نفس رحمانی، باور گوناگون مردم به خدا، خداوند در چهره باورها نمایان می شود، کینونت وجودی.

نماد آگاهی بخش انسانی (از حیوانیت به انسانیت) در واژه (چهره) الیاس ۳۴۹

الیاس همان ادریس است، ادریس نماد خرد ناب، پیوند خرد ناب با کالبد، معیت، مؤثر و مؤثریه، نفس ناطقه، نفس حیوانی، تفسیر تشبیهی و تزیینی از آیات قرآن، علت، معلول و علیت، پیوند حق و خلق، گنش گر و گننش پذیر در هستی، درخواست از خدا با زبان ظاهر و زبان باطن.

نماد آگاهی بخش برازندگی و شایستگی (در شناخت خدا) در واژه (چهره) لقمان ۳۵۹

احسان، حکمت، حکیم، فیلسوف، حکمت را باید از خدا خواست و نه از اندیشه و عقل، دو ویژگی خداوند: اراده و مشیت، امر تکوینی ایزدی، عرش ذات خدا برابر با مشیت است، مشیت بنده همان مشیت خداست، واژگان (کلمات)

پیشگفتار

یکی از نوشته‌های ابن عربی کتاب فصوص الحکم و خصوص الکلم است. او اندیشه‌های عرفانی و صابانه خود را در این کتاب گردآورده و در آن از بیست و هفت پیامبر که اسلام آنان را فرستاد، خداوند می‌داند، یاد می‌کند. نیکلسون می‌گوید: هر یک از این بیست و هفت فص کتاب، مربوط به حده یامبری است که نشان دهنده صفت ویژه الهی است. از آنجا که خدا خود را جز در انسان کامل به طور کامل ظاهر نمی‌کند، از این رو در فص اول آدم به عنوان عالم صغیر مطرح شده است؛ زیرا انسان کامل آئینه مطلق الهی است. همواره ابن عربی فصی از قرآن گرفته، اصول و عقاید خود را از آن استخراج می‌کند. (نیکلسون، یادداشت‌هایی در باب فصوص الحکم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۳، ص ۲۰).

در میان نوشته‌های عرفانی او، کتاب فصص الحکم ویژگی‌های برجسته‌ای دارد. این نوشتار ژرف، بسیاری از مفاهیم دینی و عرفان نظری را با ژرف‌نگری هرچه تمام‌تر در خود جای داده است و تأثیر بسیار عمیقی در سیر تحول اندیشه سالان گذارده و سال‌ها پس از مرگ ابن عربی در مراکز مدرسی از مهم‌ترین کتب درسی در عرفان نظری بوده و هست. همچنین سال‌هاست که پیروان مکتب ابن عربی به آموزش و گزارش و پردازش آن پرداخته‌اند، و بسیاری از پردازشگران به شرح و تفسیر و گسترش مفاهیم بسیار پیچیده، و اشارات و نمادهای کلامی-فلسفی-عرفانی درهم تنیده آن، همت گماشته‌اند. پس از این عربی اصول و مبانی عرفانی وی همواره مورد بررسی عرفان‌پژوهان بزرگ بوده است، شارحان برجسته بسیاری به شرح و بررسی، و نقد اندیشه‌های عرفانی او پرداخته‌اند. در اینجا به معرفی برخی از مهمترین شرح‌های شارحان می‌پردازیم:

الفکوک: کتاب «الفکوک» کتابی است به زبان عربی درباره عرفان نظری و مبانی آن به قلم صدرالدین قونوی. در این کتاب، نویسنده یک دوره فشرده از مبانی عرفان نظری را (طبق اصول عرفانی ابن عربی) به رشته تحریر درآورده است.

مصحح محترم کتاب، ضمن ترجمه کتاب به فارسی و شرح حال مولف، خلاصه‌ای از مقدمات و اصول نورالدین، عبدالرحمن جامی بر اشعه اللمعات فخرالدین عراقی و شرف

الدین قیصری بر مقدمه شرح فصوص ابن عربی را در ضمن ۱۴ اصل در آغاز کتاب آورده است. ترتیب ابواب و فصول کتاب بر اساس مهمترین اثر ابن عربی یعنی فصوص الحکم است و مولف با در نظر گرفتن آن کتاب، سعی در تالیف اثری مختصر و شاید تا حدودی استدلالی داشته است.

در مقدمه نویسنده چنین می خوانیم: «و بعد: چون کتاب فصوص الحکم از نفیس ترین و گران بها ترین کتاب های شیخ و پیشوای کامل، پیر کاملان و راهنمای امت، پیشوای پیشروان، محیی الدین ابن عبدالله محمد بن علی بن عربی طائی است - که خداوند از او خشنود باد - و از آخرین تصنیفاتش هست که از کانون مقام محمدی و مشرب ذاتی و جمع احدی وارد شده و مشتمل است بر خلاصه ذوق پیامبر ما - که درود الهی بر وی باد - در علم به خدا و اشاره کنده به اصل ذوق و مکاشفات بزرگان اولیاء و انبیائی که در آن نام برده شده... و شکی نیست که آگاهی بر کبابی که شائش و منبع علمی که این عنوانش است، بستگی بر تحقق به - مقام - دارد بودن دارد که تماش را چشیده و بدان - وارث - بر وی - حقایق - فتح و از جانب او بر کتاب با آن واسطه به سویش - برای اظهار حقایق و اسرار - فرستاده شده باشد...»

کسانی که از زندان های قیود و بندها رها شده و به عرصه و فراخنای حضرت قدس رسیده اند، تمایل در حل مشکلات این کتاب و برطرف کردن مبهمات و دشواری های اسرار کلی و علوم بلند و گران بهای آن که غذای ارواح صاحبان خرد است، پیدا نمودند. پس حقایق اشیاء را در مراتب کلی اش به واسطه ادراکات مطلق و پاک و بلند ادراک نمودند و درخواست کردند که مهر از آن ها بردارم و چراغ دلش را روشن کنم و پنهانش را آشکار سازم و قفلش را با شرح مجمل و مختصر آن برگردانم. این درخواست را پذیرفتم؛ چون استحقاق و شایستگی آنان را می دانستم و خود - به واسطه ارادت و راهنمایی آنان - به پروردگارشان تقرب و نزدیکی جست.

با این توضیح که من جز خطبه کتاب فصوص الحکم را از نویسنده اش شیخ اکبر محیی الدین ابن عربی - که خداوند از او خشنود باد - به شرح نه بیشتر نخواندم ولی خداوند به برکت او بر من منت نهاد و مرا در اطلاع و آگاهی بر آنچه وی را مطلع ساخته و دیده وری بر آنچه برایش روشن نموده و گرفتن از خدا - بدون واسطه و سببی - با وی مشارکت روزی کرد. «(الفکوک، قونوی، صدر الدین، ص ۱۸۰-۱۸۳).

شرح فصوص الحکم عقیف الدین تلمسانی: شرح تلمسانی اولین شرحی است که بر کتاب فصوص الحکم نوشته شده است. عثمان یحیی از شرح ابن سودکین (ف. ۶۴۷ ق) بر فصوص

چهارم فصوص گزارش داده و عده‌ای نیز به تبع او گمان برده‌اند ابن سودکین از شارحان فصوص الحکم است؛ اما این گزارش اشتباهی بیش نیست و منشأ این اشتباه، تشابه اسمی رساله ابن سودکین با فصّ ادریسی فصوص الحکم است. نسخه‌ای که عثمان یحیی آن را شرح فص ادریسی پنداشته است و احتمالاً فقط به قول فهرست نگار اعتماد کرده، درواقع منتخب رساله‌ای است با عنوان النصّ الإدریسی که آغاز آن چنین است: «المختار من کلام الشیخ شمس الدین اسماعیل بن سودکین - رحمته الله علیه - فیما ألفه و سماه النصّ الإدریسی». محتوای رساله در بیان حقیقت خلوت نشینی و آداب ذکر است که ناتمام مانده و مؤلف در آن نوشته: «گرچه موفق به اتمام رساله نشدم اما وصیتی از شیخ دارم که مناسب این مقام می‌باشد». سپس وصیت ابن عربی و گزیده‌ای از رساله نتیجه الأذکار و نامه ابن عربی به سلطان کاهوس (ف. ۶۱۵ ق) را به رساله خود ملحق کرده است.

دغدغه اصلی تلمذانی به عنوان نخستین شارح این کتاب بیش از هر چیز تبیین و توضیح مطالب مشکل کتاب بود. است نه شرح تمام قسمت‌های آن، لذا ساختاری کاملاً متفاوت نسبت به شروح بعدی دارد. یک رویژگی‌های مهم این کتاب ساختار آن است؛ یعنی معرفی مواردی که در دوره متصل به زمان شیخ در نزد بزرگان عرفا مورد قبول و روشن بوده و مواردی که نیاز به توضیح داشته است.

به نظر می‌آید که این کتاب در شناخت بهتر فصوص و دوره‌ای که فصوص در آن تألیف شده، یکی از منابع مهم است؛ چون مؤلف این اثر به سبب آشنایی نزدیک با شیخ و شاگردی او بهتر از هر کس به آرای ابن عربی آگاه است. به سبب صوری صحیح و خالی از غلو از جایگاه او برای ما آرایه می‌کند. وی برخلاف مؤیدالدین غنوی و دیگر شارحان که هرگز ابن عربی را ندیده بودند، ولی تحت تأثیر عظمت او واقع شده. کتاب وی را به مثابه وحی منزل گرفته‌اند. به طوری که استاد جلال‌الدین آشتیانی گفته است: «بیشک عیب اساسی در کار اتباع ابن عربی آن است که چشم‌پسته آنچه مرشد آنها نوشته است قبول کرده‌اند» - عارفی است آزاداندیش و مستقل و به راحتی کلام ابن عربی را نقد می‌کند. او گاه از ایجاز کلام ابن عربی گلایه کرده و گاه بر درازگویی او خرده گرفته است. تلمسانی برخی مطالب فصوص را مناسب اهل حجاب و بعضی را مناسب اهل علم و بعضی مطالب را مناسب مقام معرفت دانسته، ولی اعتقاد دارد که این مطالب در مقام تحقیق خالی از اشکال نیست و در نهایت بعضی عبارات‌های شیخ را بدون اینکه کلامی بگوید رها کرده است.

تلمسانی در فص سلیمانی تصریح کرده است که فصوص از حضرت علم صادر شده است نه از حضرت معرفت، و افزوده است: «علت این امر مراعات عقول محجوبان است، چون

پیامبر (ص) به او دستور داد این کتاب را بگیر و به مردم برسان تا از آن بهره‌مند شوند و حال آنکه معرفت برای عموم مردم نیست، بلکه علم برای عموم است». او در فصّ اسحاقی نیز به این مسئله اشاره کرده و تأکید ورزیده است که مطالب علمی در حد کتاب عرفانی نیستند و اگر کسی دنبال مطالب علمی باشد، بهتر است به آثار متکلمان مراجعه کند.

وی در فصّ آدمی می‌گوید: «شیخ در کلیات بر مبنای منطقیان مشی کرده است و خود را به مرتبه آنها تنزل داده است تا کلامش قابل فهم باشد و همه حقایق را در این کتاب بیان نکرده است؛ زیرا در این کتاب قصد داشت معارف عرفانی را با کلام حکما و متکلمان مأنوس کند، لذا لازم بود خود را تا مرتبه آنها پایین بیاورد».

او عبارات شیخ در فصّ ابراهیمی را متناسب با معنای اراده شده ندانسته و عقیده دارد: «الفاظ نسبت به معاریاد است». البته اذعان کرده است که با این حال عقول محجوب عاجز از ادراک این معانی هستند و نیز در فصّ آدمی سخن شیخ را که گفته است: «حق تعالی بر خلاف ممکن متصف به احوال می‌شود در عین اتصافش به آخریت»، در تبیین مسئله کافی ندانسته است.

اصلی‌ترین ویژگی کتاب تلمسانی راسخی، آن نقدهایی دانست که او بر کلام شیخ وارد کرده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

یکی از موارد اختلاف میان عقیف‌الدین تلمسانی و ابن عربی مسئله اعیان ثابت است. ابن عربی اعتقاد دارد که موجودات قبل از تحقیق خارجی در تین ثانی ثبوت دارند و آنها را همچون آیینته‌ای تصویر می‌کند که صورت حق در آن ظهور پیدا کرده است و لذا از آنها به مظاهر و مجالی نیز تعبیر کرده است. او میان ثبوت اعیان و وجود آنها تمایز گذاشته و گفته: «اعیان متصف به ثبوت می‌شوند با این که معدومند و متصف به وجود می‌شوند». تلمسانی از این نظر در بخش‌های مختلف کتاب، همچون فصّ ابراهیمی و اسماء الیه و یهودی و یوسفی انتقاد می‌کند و می‌گوید: «شیخ با این سخن از متکلمان تبعیت کرده است که اعتقاد به ثبوت عالم قبل از خلقت داشته و بین وجود و عدم مرتبه سومی قرار داده‌اند، لذا هر ایرادی که به آنها وارد است بر شیخ نیز وارد است. ولی ما می‌گوییم وجود مساوی با ثبوت، و عدم مساوی با نفی است و نفی و اثبات نه با هم جمع و نه رفع می‌شوند و آنچه شیخ و پیروانش گفته‌اند مستلزم ارتفاع نقیضین است و در کلام این جماعت تهافت وجود دارد». تلمسانی علاوه بر این که اعتقاد به اعیان ثابت را ذاتاً مستلزم تناقض گویی می‌پندارد، آثار و نتایج آن را نیز خالی از تناقض گویی نمی‌داند. (مقدمه مصحح: اکبر راشدی نیا، نشر سخن).